پیشخوان

«حزب‌الله و رهبری سید حسن نصرالله» در آیینه یک پژوهش نوانتشار

مردی که بارها صهیونیست‌ها را به عجز رساند!

■ **شاهد توحیدی**

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن هویداست، به موضوع «حزب‌الله و رهبری سیدحسن نصرالله» پرداخته است. این پژوهش ضمن آنکه زندگینامه دبیرکل فقید حزب‌الله را از نظر دور نداشته، کارنامه این جریان سیاسی/اجتماعی/فرهنگی را نیز به بررسی نشسته و ادوار گوناگون آن را، بازخوانی و تحلیل کرده است. این تحقیق از سوی محمدرضا میرزاجان انجام شده و مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در بازنمایی محتوای این کتاب، به موضوعات پی آمده اشارت برده است:

«سیدحسن نصرالله، در سال ۱۹۶۰، در روستایی از شهر صور در یک خانواده فقیر به دنیا آمد. در اثر فقر، خانواده‌اش به بیروت رفتند و در آنجا سبزی فروشی می‌کردند. سیدحسن، در حالی که مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی خویش بود، آتش جنگ داخلی لبنان شعله‌ور شد، لذا خانواده‌اش به روستای خود بازگشتند. دوران دبیرستان را در شهر صور ادامه داد و در این دوران، به صفوف جنبش اَمل - که به دست امام موسی‌صدر تأسیس شده بود- پیوست، تا آنجایی که نماینده جنبش در روستای خود (بازوریه) شد. در شهر صور، از سید نمروئی، درس طلبگی آموخت و سپس با معرفینامه ایشان به شهید آیت‌الله محمدباقر صدر، به نجف اشرف رفت. در آنجا شهید سیدعباس موسوی را ملاقات کرد و با ایشان بسیار دوست شد، تا جایی که با مشارکت یکدیگر در سال ۱۹۸۲، حزب‌الله لبنان

دهه ۷۰. علامه شهید سید حسن نصرالله

را تأسیس کردند. سیدعباس موسوی به توصیه شهیدصدر، کار تدریس به سیدحسن را به عهده گرفت و طی دوسال، درس خارج سیدحسن به اتمام رسید و مشکلات مالی وی نیز حل شد. حزب بعث حاکم به دستور اربابانش، بر طلاب علوم دینی که تابعیت‌های مختلفی داشتند، سخت گرفت و برای دستگیری آنان اقدام کرد، اما خوشبختانه موفق به دستگیری سیدعباس و سیدحسن نشد و آنان به لبنان بازگشتند. سیدحسن پس از بازگشت به لبنان، به حوزه علمیه بعلبک رفت و توأمان به عنوان استاد و طلبه، مشغول فعالیت و در کنار درس و بحث وارد جنبش اَمل شد. سیدحسن هنوز ۲۰سال نداشت که به مقام مسئول جنبش امل در منطقه بقاع نائل آمد. در سال ۱۹۸۲ و در اثر حمله وحشیانه اسرائیل غاصب به لبنان، در جریان جنبش اَمل اختلاف داخلی پیش آمد که جریان متدین به رهبری سیدعباس و سیدحسن، اولین قدم برای تشکیل حزب‌الله را برداشتند و سیدحسن مسئول اجرایی حزب‌الله شد. سیدحسن مدتی به ایران و شهر قم برای ادامه تحصیلات حوزوی آمد که در جریان درگیری بین جنبش اَمل و حزب‌الله به لبنان بازگشت. سیدحسن دارای پنج فرزند است که پسر بزرگ او در سن ۱۸سالگی در عملیات نظامی علیه رژیم صهیونیستی، به شهادت رسید. سیدحسن نصرالله، رهبر مقاومت اسلامی لبنان، به طور واضح، آشکار، مؤثر و دقیق، توانست با موفقیت تمام، جنگ روانی تمام عیاری را علیه دشمن صهیونیستی- چه در سطح نیروهای میدانی حاضر در صحنه جنگ و چه عناصر موجود در مجتمع‌های مسکونی شهرک‌های صهیونیستی اشغالی- آن هم از طریق پیام‌های تلویزیونی خود، در طول جنگ ۳۳روزه (جولای ۲۰۰۶م) و سخنرانی‌هایش در شهرها و روستاهای جنوب لبنان و بیروت و سرزمین‌های اشغالی به راه بیندازد که باعث شکست سنگین و خفت‌بار دشمن متجاوز صهیونیستی شود... ».

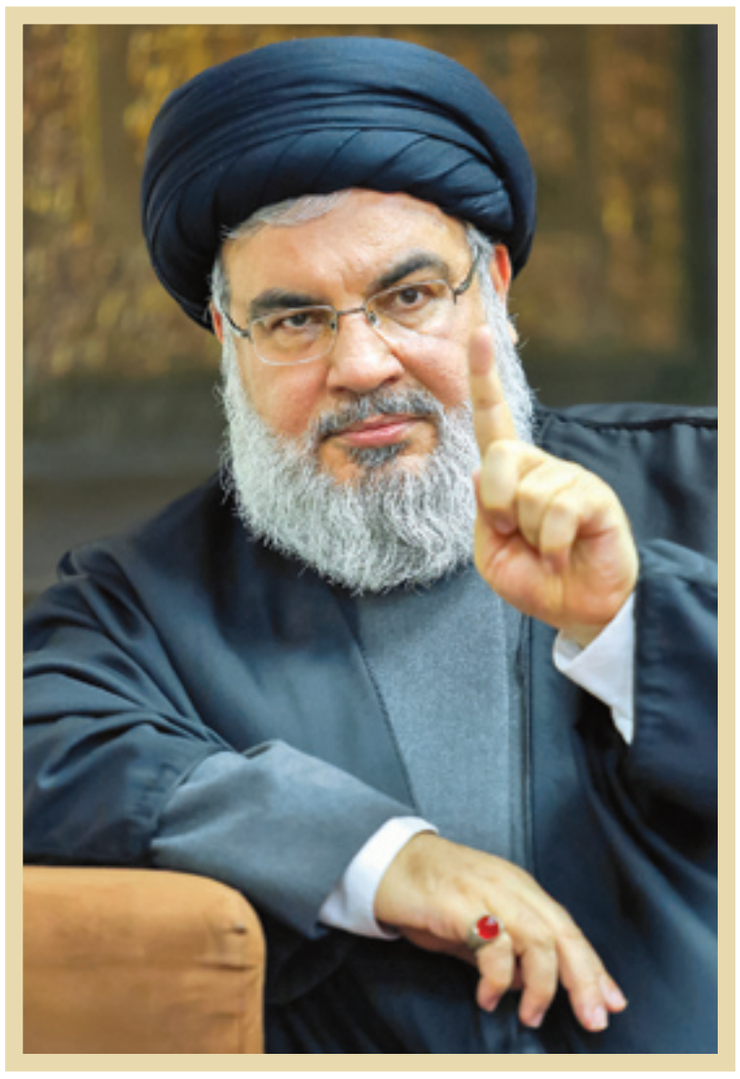

انیس نقاش: «سیدحسن نصرالله، در بسیاری از مسائل مذهبی و فرقه‌ای، وحدت طلب است. او با بینشی که دارد، می‌تواند جهان اسلام را متحد کند و با احترام خاصی که مسلمانان و اعراب برایش قائل هستند، وحدت و یکپارچگی آنان را استحکام بخشد و به کاهش بحران‌های مذهبی و فرقه‌ای کمک کند. سید می‌تواند دانشگاهی باشد که رهبران شجاع، راستین و ایثارگر از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند و به مصاف دشمنان جهان اسلام می‌روند... ».

قهرمان مانای جهان اسلام و عرب، در آیینه روایت معاشران و تحلیلگران

دوستان به سید دل دادند و دشمنان به او اعتماد کردند!

■ **محمدرضا کائینی**

پیش‌تر و طی دو صفحه ارائه شده در روزهای پس از شهادت دبیرکل فقید حزب‌الله، یادآور شدم که این مجموعه روایت‌ها و تحلیل‌ها، با محوریت اظهارات دوستان «سید مقاومت» و تحلیلگران کارکرد او در مقطع پس از جنگ ۳۳روزه، ارائه شده است. اینک سومین بخش از این گزارش پیش روی شماست. امید آنکه پژوهندگان و علاقمندان را مفید و مقبول آید.

■ **او از رده‌های پایین حزب‌الله رشد کرد و ارتقا یافت**

زنده‌یاد حجت‌الاسلام و المسلمین سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور، سفیر سابق ایران در سوریه، از بنیانگذاران حزب‌الله لبنان قلمداد می‌شود. وی از همان مقطع، شهیدسید حسن‌نصرالله را می‌شناخت و از چگونگی نشو و نمای سیاسی وی، روایتی دقیق و معتبر داشت. بخشی از منقولات وی در این‌باره، از این قرار است:

«یکی از ویژگی‌های سیدحسن نصرالله این بود که دروس حوزوی و مقدمات را نزد آقای سیدعباس موسوی تلمذ می‌کرد و سیدعباس موسوی، یکی- دو دوره دبیر کل حزب‌الله بود. امتیازی که سیدحسن نصرالله دارد، این است که او از میان رده‌های پایین حزب‌الله رشد کرده و بالا آمده است. سیدعباس موسوی و شیخ صبحی طفیلی، از همان اول که وارد شورای رهبری حزب‌الله شدند، میدان دیده نبودند، مبارزه عملیاتی نکرده بودند و فقط جنبه سیاسی حزب‌الله را برعهده داشتند، در حالی که سیدحسن از همان دوره اول که وارد حزب‌الله شد، وارد عرصه مبارزه شد و خود به عنوان یک مبارز و جنگجو در مقابل نیروهای دشمن، اعم از نیروهای اسرائیل و نیروهای چند ملیتی و مزدوران اسرائیل در لبنان می‌جنگید. او از همان سال ۱۹۸۲، این مبارزه را آغاز کرد و وقتی که قابلیت و ظرفیت و شایستگی‌های خود را نشان داد، شورای مرکزی مسئولیت‌ها را به وی سپرد. در اواخر سال ۱۹۸۲، با توجه به قابلیت‌های رزمی، مبارزاتی و اندیشه خوبی که سیدحسن نصرالله ارائه کرد، فرماندهی نظامی بیروت به عهده ایشان گذاشته شد. درپی آن سیدحسن به فرمانده قدرتمندی تبدیل شد که اسرائیل را به عقب‌نشینی از منطقه غربی بیروت و سپس از سراسر بیروت واداشت که تا شهر صیدا عقب‌نشینی کرد و آنجا سنگر گرفت. این نشان‌دهنده قابلیت و امتیاز سیدحسن نصرالله است. لذا او مدارج را، از ابتدا آغاز کرد. از همان روزهای اول، خود را در میدان مبارزه و جنگ نشان داد و به دنبال آن از طرف رهبری حزب‌الله، مسئولیت‌های سنگین‌تر و مهم‌تری به عهده او گذاشته شد. روزی رسید که او به فرماندهی نظامی حزب‌الله در بیروت و مناطق جنوب لبنان برگزیده شد که اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. از انتصاب آقای نصرالله، به این سمت‌ها، دو یا سه‌سال نگذشته بود که عقب‌نشینی نیروهای چند ملیتی از لبنان آغاز شد. نیروهای امریکایی، لبنان را ترک کردند و فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها هم رفتند. درپی فرار نیروهای چند ملیتی از لبنان، نظامیان رژیم صهیونیستی نیز تا نزدیکی مرز فلسطین اشغالی عقب‌نشینی کردند... ».

■ **صداقت، صمیمیت، صراحت و صلابت، خصال «سید مقاومت»**

دکترحسین دهقان، رئیس کنونی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، در عداد آن طیف از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که تشکیل حزب‌الله را از نزدیک شاهد بوده و هم از این روی، «سید» را نیز از دوره جوانی وی درک کرده است. از منظر او عوامل توفیق آن بزرگ، همان خصال یک رهبر هوشمند و زمان آگاه است: « هرکس در هر مجموعه‌ای و در هر جای دنیا، اگر بخواهد رهبری موفق باشد، باید حتماً چند ویژگی داشته باشد: صداقت، صمیمیت، صراحت و صلابت. مردم لبنان و جهان اسلام، همه اینها را در چهره و کردار سیدحسن نصرالله می‌بینند. نصرالله، آنجا که قرار است موضع قاطعی بگیرد و در مقابل زیاده‌خواهها و فزون‌طلبی‌های دشمن بایستد، با همه توان می‌ایستد و آنجا که قرار است با ملت صحبت کند، با همه صراحت و صداقت صحبت می‌کند و آنجا که قرار است با مردم یا همکارانش مواجه شود، در اوج صمیمیت حضور پیدا می‌کند. این مجموعه ویژگی‌هایی است که یک رهبر باید داشته باشد. اضافه کنیم که آقای نصرالله، در موضع رهبری جریان مقاومت ایفای نقش می‌کند، نه در موضع یک حکومت یا دولت. دولت‌ها قاعدتاً تحفظ‌های خود را دارند و باید هم داشته باشند، ولی یک جریان انقلابی تحفظش فقط مرزهایی است که برای حرکت خود تعریف کرده است و عبور از آنها برایش قابل قبول نیست. این بدان معنا نیست که مانور داده نمی‌شود، یا مدبرانه برخورد نمی‌شود، یا در عملکرد آنها انعطاف نیست، بلکه خط و مرزها کاملاً روشن هستند و عبور از آنها قابل قبول نیست، ولی در چارچوب همین مرزها، رهبر سیاسی مانور می‌دهد و حتی انعطاف‌هایی هم دارد. او متناسب با شرایط مواضعی را می‌گیرد که حیات، بقا و تداوم حرکت را تضمین می‌کند... ».

■ **اسرائیلی‌ها می‌گویند: اگر نصرالله سخنی بگوید، به آن عمل می‌کند**

حاج مصطفی دیرانی، در میان رزمندگانی که با تدبیر و تلاش حزب‌الله از بند رژیم صهیونیستی آزاد شدند، نامی آشناست. او بر این باور است که سومین دبیرکل حزب‌الله، راهبرد خود در برابر دوست و دشمن را بر صداقت استوار ساخت. امری که موجب شد تا حتی مخالفان و دشمنان او نیز به وی اعتماد بورزند و سخنش را را جدی بگیرند: «دشمن بیش از دوست، به صداقت و خلوص سیدحسن اعتراف می‌کند. همه اسرائیلی‌ها می‌گویند، اگر دبیر کل حزب‌الله سخنی بگوید، به آن عمل می‌کند. این بیانگر صداقت اوست. شیوه رفتار سیدحسن ثابت کرده که او انسان صادقی است و به همین دلیل اعتماد مردم، جوانان و رزمندگان مجاهد را کسب کرده است. این رهبر فرزانه، اوضاع را خوب می‌سنجد و آنچه را که در توان دارد، انجام می‌دهد. مهم‌تر از همه، اینکه او اراده انجام مسئولیت‌هایش را دارد. ملاحظه کرده‌اید که مقاومت اسلامی در دوران دبیر کلی سیدحسن نصرالله، توانست فراتر از مرزهای جغرافیایی لبنان عمل کند. برای همه روشن شده است، سید تنها مسئولیت رهبری و فرماندهی را به عهده ندارد، بلکه او در عین‌حال خود عنصری ایثارگر و فداکار است. شهادت فرزندش سیدهادی، نماد این ایثارگری است. دبیر کل حزب‌الله، با فدا کردن فرزندش در راه اسلام و در جنگ با دشمنان خدا، صداقتش را به اثبات رساند. رویارویی با دشمن صهیونیستی و آزادسازی جنوب لبنان در ماه می سال ۲۰۰۰، از برجسته‌ترین نشانه‌های رهبری خردمندانه سیدحسن نصرالله است که پرچمدار مقاومت است. آزادسازی اسیران لبنانی در بند رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۴، یکی دیگر از دستاوردهای مهم ایشان به شمار می‌رود. شیوه مدیریت دفاع حزب‌الله در برابر جنگ تجاوزگرانه اخیر اسرائیل، بر ضد لبنان هم که جنگ ششم اعراب و اسرائیل نامیده می‌شود، یکی از نشانه‌های برجسته رهبری سیدحسن نصرالله است. مقاومت اسلامی لبنان با ایستادگی شرافتمندانه، قهرمانانه، کربلایی و بی‌نظیر در برابر تهاجم گسترده اسرائیل، در تاریخ معاصر بی‌مانند و باورنکردنی است. دشمن صهیونیستی هر اسلحه پیشرفته و ویرانگری را که در اختیار داشت، در این جنگ به کار گرفت. اسرائیل با جنایت‌های بی‌شمار و قتل عام مردم جنوب و حجم انبوه ویرانی، نتوانست اراده پولادین مقاومت را در هم بشکند... ».

■ **محضر او دانشگاهی است که رهبران شجاع و ایثارگر از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند**

زنده‌یاد انیس نقاش، از حامیان اندیشه انقلاب اسلامی، علاقمندان به حزب‌الله لبنان و تحلیلگر مسائل آن بود. وی پس از پیروزی حزب‌الله در مصاف سال ۲۰۰۶، طی گفت‌وشنودی موقعیت نو پدید سید حسن نصرالله در جهان عرب را، اینگونه به ارزیابی نشست: « پس از پایان پیروزمندانه جنگ ۳۳ روزه، موقعیت سیدحسن نصرالله به عنوان یک رهبر بلامنازع در جهان عرب تحکیم یافت. شکی در این نیست و مردم این را اعلام کرده‌اند و این نظر شخصی من نیست. مسلمانان و اعراب، شایسته است، برای رسیدگی به بسیاری از مسائل، از شیوه رهبری او بهره بگیرند. سیدحسن نصرالله در بسیاری از مسائل مذهبی و فرقه‌ای، وحدت طلب است. او با بینشی که دارد، می‌تواند جهان اسلام را متحد کند و با احترام خاصی که مسلمانان و اعراب برای او قائل هستند، می‌تواند وحدت و یکپارچگی آنان را استحکام بخشد و به کاهش بحران‌های مذهبی و فرقه‌ای کمک کند. او اسرائیل و امریکا را، دشمن اصلی امت می‌داند و می‌تواند جهت بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های سیاسی و مبارز را، به سوی دشمن اصلی رهنمون سازد. سیدحسن نصرالله، می‌تواند الگوی رهبری نمونه را در جهان عرب ارائه دهد، رهبری واقعی که پیروزی‌ساز است. سیدحسن نصرالله می‌تواند دانشگاهی باشد که رهبران شجاع، راستین و ایثارگر از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند. بر اساس این دیدگاه، من شیوه نصرالله را الگو و سرمشق جهان عرب و اسلام می‌دانم. در مورد حمایت هشت کشور بزرگ صنعتی از دشمن صهیونیستی، بار دیگر سخنان آقای سیدحسن نصرالله را یاد آور می‌شوم. ایشان پس از اسارت دو نظامی صهیونیست، در برابر افکار عمومی جهان فریاد برآورد و گفت: اگر همه جهان به سراغ ما بیاید تا دو اسیر اسرائیلی را آزاد کند، هرگز توان این کار را نخواهد داشت، مگر از طریق مذاکره غیر مستقیم. این موضع‌گیری آقای نصرالله نشان می‌دهد، او آینده را پیش‌بینی و به روشنی احساس کرده بود، همه دولت‌های جهان عملاً از او تقاضا خواهند کرد، تا دو اسیر اسرائیلی را بدون قید و شرط آزاد کند، اما دولت‌های جهان با حمایت همه جانبه از اسرائیل، در زمینه آزادی دو نظامی اسرائیلی هم شکست خوردند... ».

■ **ما خواهان حکومت نبوده‌ایم، وظیفه ما مبارزه با اشغال است**

زنده‌یاد طلال سلمان، روزنامه‌نگار نامدار لبنانی و پایه‌گذار روزنامه‌السفیر، در عداد چهره‌هایی است که درپی پیروزی مقاومت لبنان در جنگ ۳۳روزه، با رهبر آن دیدار کرد. او بعدها به مدد قلم توانای خویش، شرحی از این ملاقات را منتشر ساخت. او در آن گفت‌وشنود به طرح سؤالاتی خواندنی پرداخت که یک مورد از آنها را برای درج در این مقال برگزیده‌ایم: «وقتی در آن دوشنبه شب با سیدحسن نصرالله دیدار کردم، پرسش‌های خود را درباره پیروزی، مقاومت و بیرون راندن نیروهای اشغالگر اسرائیلی به تعویق انداختم و نخست این سؤال را از وی پرسیدم که هنگام ورود به کاخ ریاست جمهوری، برای اولین بار چه احساسی داشته است؟ این پرسش، سیدحسن نصرالله را که چهره‌ای آرام و تعابیری ساده و قابل فهم دارد، غافلگیر نکرد! او پیش از آن که امور سخت جنگی را تجربه کند و مرگ را در برابر چشمانش ببیند و به مقام یک رهبر سیاسی برسد، به عنوان یک روحانی، فن بیان را خوب فرا گرفته است و همواره برای پرسش‌های سخت و غافلگیر کننده، پاسخ‌های مناسب و خیره کننده دارد. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد پاسخ چنین پرسشی را، از قبل آماده کرده است. او در پاسخ گفت: هرگز! برای من هیچ‌گاه آزادسازی سرزمین لبنان، ارتباطی به حکومت نداشته است. شاید ما که در سایه شهادت زندگی می‌کنیم، نتایج مستقیم اقدامات خود بر حکومت را، از ذهن خود پاک کرده‌ایم. شاید هم بین این دو موضوع، رابطه‌ای نمی‌بینیم. ما به وظیفه خود به عنوان مقاومت عمل کردیم و خداوند ما را پیروزی بخشید. موضع‌گیری حکومت به ویژه رئیس جمهور، همواره حمایت و پشتیبانی از ما بوده و امیل لحود پیش از رسیدن به ریاست جمهوری و زمانی هم که فرمانده ارتش بود، این موضع را داشت. ما خواهان حکومت نبوده‌ایم. وظیفه مقاومت، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی است و علاقه‌ای برای به دست گرفتن حکومت ندارد. برای ما همین کافی است که حکومت با ما خصومت نداشته باشد... ».

■ **رهبر حزب‌الله، سلطان بلامنازع مناطق خودگردان فلسطینی!**

رونی شاکید، تحلیلگر تلویزیون رژیم صهیونیستی، پس از پایان نبرد سال ۲۰۰۶ حزب‌الله با اسرائیل، از شرایط اجتماعی و فرهنگی مناطق خودگردان فلسطینی گزارشی منتشر ساخت. او به رغم میل باطنی خود اذعان داشت، نصرالله درپی ظفرمندی در جنگ اخیر به سلطان بلامنازع مناطق خودگردان تبدیل شده، به گونه‌ای که در هر سوی این مناطق، می‌توان تصویری از او دید و صدایی از وی شنید: « تصویر بزرگ سیدحسن‌نصرالله و پرچم‌های زرد رنگ حزب‌الله - که روی تابلوی غول پیکری نصب شده‌اند- در برابر دیدگان دهها هزار نفری که روزانه از گلدسته تاریخی رام‌الله دیدن می‌کنند، خودنمایی می‌کنند. تا چندی پیش، تصویر بزرگ یاسر عرفات، رهبر فلسطین روی آن قرار داشت. در همین حال دستگاه‌های ضبط صوت قهوه‌خانه‌های اطراف گلدسته رام‌الله، انواع ترانه‌ها و سرودهای حماسی را در تجلیل از سیدحسن‌نصرالله و شادباش پیروزی حزب‌الله پخش می‌کنند. به‌رغم انتقادات گسترده برخی از محافل لبنانی از سیدحسن نصرالله و درپی وارد آمدن خسارت‌های سنگین به ساختار حیاتی لبنان، از اکنون او به صورت سلطان بلامنازع مناطق خودگردان فلسطینی درآمده و عذرخواهی او از عرب تبارهای شمال اسرائیل، به خاطر سقوط چند فروند موشک در مناطق مسکونی آنان، هیچ تأثیری در مردم فلسطین نداشته است. ساکنان مناطق اشغالی فلسطین، همچنان سید حسن نصرالله را تنها رهبر بی‌نظیر جهان عرب می‌دانند که آغازگر جنگ برضد اسرائیل بود و این رژیم را به مبارزه طلبید. خیابان‌های شهرها و روستاهای فلسطینی‌نشین، مملؤ از تصاویر خندان سیدحسن نصرالله و پرچم برافراشته حزب‌الله است و این بخشی از نشانه‌های علاقمندی ملت فلسطین به نصرالله است. بازرگانان و مغازه‌داران فلسطینی نیز برای جذب هرچه بیشتر گردشگران بازارهای فلسطین، انواع تی‌شرت‌ها، جاکلیدی‌ها و پوسترهای منقوش به تصاویر سیدحسن نصرالله را عرضه می‌کنند. در همین حال، این روزها نوارهای کاست و ویدئویی حاوی سرود و موسیقی حماسی، مشتریان بسیاری دارد. اکنون مهم‌ترین کالایی که در بازارهای فلسطین رواج دارد، نوارهای کاست سرودهای انقلابی و ترانه‌های حماسی در تجلیل و ستایش سیدحسن‌نصرالله است. نوار کاست سرود آقای نصرالله معطل نکن! پس از حیفا، تل‌آویو را بزن و سرود پرچم زرد رنگ ما برفراز قله‌ها می‌درخشد و نصرالله رهبر جدید و نشانه راه است و خدا یار و یاورتان نصرالله و نصرالله عقاب لبنان، از پرفروش‌ترین نوارهای حماسی بازار موسیقی فلسطین هستند. این نوارها در همه آرایشگاه‌ها، رادیو ضبط خودروها و فروشگاه‌های لباس و بسیاری از اماکن عمومی، پخش می‌شوند. رادیوهای محلی بخش خصوصی نیز همگام با علاقمندی مردم به دبیر کل حزب‌الله، از پخش این سرودها دریغ نمی‌کنند... ».

■ **او پیشوای مردمان، از مذاهب، قومیت‌ها و نحله‌های سیاسی بود**

عباس خامه‌یار، رایزن سابق فرهنگی ایران در بیروت و از مرتبطان دیرین رهبر شهید حزب‌الله، در سال ۱۳۸۵ و آغاز دوره ۱۸ساله و کم بدیل محبوبیت نصرالله در جهان عرب و اسلام، در قالب جملات پی‌آمده به توصیف وی پرداخت. حقایقی که در این سطور بدان‌ها اشارت رفته است، دشمن را به اندیشه افکند که این رهبر پرآوازه و پیروزمند را از میان بردارد، امری که سوگمندانه در روزهایی که بر ما گذشت، روی داد و فاجعه‌ای بزرگ را رقم زد: « سید به تمامی آراسته به کسوت صداقت و صراحت است، تا آن پایه که دشمن نیز به او اعتماد می‌کند، چه رسد به دوست که از دیرباز دل در گرو رهبری و زعامت وی نهاده است. در طول مصاف ۳۳روزه اخیر، سید بارها اعلام کرد، به‌رغم توانمندی نیروهای حزب‌الله در هدف قرار دادن نقاط مهم استراتژیک در قلب سرزمین اشغالی، چنین نخواهد کرد و برای نخستین بار در تاریخ جنگ‌های جهان، دشمن به او اعتماد کرد و این از شگفتی‌های عصر ماست که گروهی در جنگ با دشمن، درصدد از میان برداشتن و امحای او باشند و در عین حال از اعتماد وی نیز بهره‌مند گردند! صداقتی چنین بی‌بدیل که تردید را از خاطر دشمن می‌زداید، بدیهی است که در پیروان و دوستان اثری صد چندان بر جای می‌نهد و اقوام و طوائف گوناگون را، به‌رغم تفاوت‌های قومی و عقیدتی، حول محور رهبری گرد می‌آورد و موجب می‌گردد، آسیب دیدگان جنگ اخیر و تمامی مردم لبنان، از اینکه در راه پیروزی سید هزینه‌های مالی و انسانی پرداخته‌اند، خم به ابرو نیاورند و این همه را سند افتخار خویش برشمارند... ».

رونی شاکید، تحلیلگر تلویزیون رژیم صهیونیستی، پس از پایان نبرد سال ۲۰۰۶ حزب‌الله با اسرائیل، از شرایط اجتماعی و فرهنگی مناطق خودگردان فلسطینی گزارشی منتشر ساخت. او به‌رغم میل باطنی خود اذعان داشت که نصرالله درپی ظفرمندی در جنگ اخیر به سلطان بلامنازع مناطق خودگردان تبدیل شده، به گونه‌ای که در هر سوی این مناطق، می‌توان تصویری از او دید و صدایی از وی شنید

۱۳۸۵. نمایی از جشن مردم جنوب لبنان، درپی پیروزی حزب‌الله بر اسرائیل